

واژه «مشروطه»*

عبدالهادی حائری

عثمانی به ایران آمد و بنظر می‌رسد که برای نخستین بار میرزا احسین خان سپهسالار در سال ۱۸۶۸/۱۲۸۵، هنگامی که سفیر ایران در دربار امپراتوری عثمانی بود، این واژه را در خلال برخی از گزارشهای خود به معنی مورد بحث کنونی ما به ایرانیان معرفی کرد.^۸

در مورد ریشه لغوی واژه مشروطه اختلاف نظری در میان پژوهشگران تاریخ مشروطه ایران وجود دارد و تقریباً همه نویسندگان ایرانی دوره انقلاب مشروطه واژه مشروطه را بدون در نظر گرفتن ریشه واقعی آن از ریشه عربی «شرط» گرفته‌اند. از میان اینگونه نویسندگان معاصر انقلاب مشروطه شمس کاشمیری^۹، شیخ اسماعیل محلاتی^{۱۰} و ادیب الحکماء قراباغی^{۱۱} را می‌توان بعنوان نمونه یاد کرد. بکار بردن واژه مشروطه بعنوان صفت برای رژیم نو ایران بحثهایی جدی برانگیخت و بطور نمونه، سعدالدوله گفت که لغت مشروطه به معنی چیزی است که مشروط به شرطی باشد و آن ترجمه‌ای است نادرست از لفظ فرانسوی کنستیتوسیون.^{۱۲} سیدحسین تقی‌زاده می‌نویسد که یکی از علماء تبریز، آقا میرزا صادق آقا، پیشنهاد کرد که لفظ اصلی اروپایی که همان کنستیتوسیون باشد در ایران بکار برده شود. او این چنین استدلال کرد که اگر این لفظ عربی به دست علماء بیفتد آنان مطابق صرف عربی آن را به شکل شرط بشرط فهو شرط و ذاک مشروط صرف خواهند کرد و

در نوشته‌های پژوهشگران تاریخ نو ایران و ترکیه واژه «مشروطه» بعنوان معادلی برای واژه انگلیسی constitutionalism (کنستیتوشنالیسم) یا حکومتی که برشالوده یک قانون اساسی و نظام پارلمانی بنیاد شده باشد بکار برده شده است. در ایران دو واژه «مشروطه» و «مشروطیت» به آن نظام حکومتی اطلاق می‌گردد که پس از انقلاب سال ۱۳۲۴/۱۹۰۶ پدید آمد. در کشورهای عربی واژه «دستور»، و در هند و پاکستان لغت «آئین»^۱ - که هر دو فارسی می‌باشند - بجای لفظ کنستیتوشن انگلیسی و یا کنستیتوسیون فرانسه بکار رفته است. در ترکیه عثمانی از چندی پیش از اعلام مشروطه ۱۲۹۳/۱۸۷۶ واژه مشروطه در پیوند با حکومتی بکار برده می‌شده است که براساس یک قانون اساسی پایه‌گذاری شود. نامق کمال، اندیشه‌گر سده ۱۹ عثمانی، بکرات در نوشته‌های خود عبارتهای «دولت مشروطه»^۲ و «اداره مشروطه»^۳ را به معنای حکومت قانونی و غیراستبدادی بکار برده است. همزمان با بکار بردن این واژه، واژه‌های مترادف دیگری نیز در نوشته‌های نویسندگان وقت بعنوان صفت برای یک حکومت قانونی غیراستبدادی نیز بکار می‌رفته است که چند یک از آنها عبارتند از «مقیده»^۴، «معتدل یا معتدل»^۵ و «محدوده»^۶. برخی از نویسندگان حتی واژه «کنستیتوسیون»^۷ را در رابطه با یک حکومت غیر استبدادی بکار می‌بردند. واژه مشروطه به این معنی از ترکیه

توضیح داد که «تئوری دکتر رضازاده شفق جنبه کلی نمی تواند داشته باشد زیرا در زبان ترکی آنگونه اشتقاقها معمولاً محدود به لغات عربی و فارسی است نه واژه های انگلیسی، فرانسه یا آلمانی؛ لفظ لاشارت فرانسوی در زبان ترکی همواره به کلمه «فرمان» ترجمه شده است.»

در اینجا باید بیفزاییم که واژه مشروطه در ترکیه عثمانی برای سده های دراز بکار برده شده بوده است ولی، همانگونه که در کتاب فرهنگ ردهاوس (Redhouse) آمده، بمعنی يك ملك و یا ودیعه (trust) غیر قابل خرید و فروش است که بنیانگذار آن در مورد تعیین متولی و امین و به مصرف رساندن در آمد آن شرایطی قائل شده باشد.^{۱۹}

در نوشته های نامق کمال اصطلاح «شرطنامه اداری» در مورد «خط گلخانه» بکار رفته است.^{۲۰} اینگونه استعمال با معنی اصلی کلمه مشروطه که در میان ترکها متداول بوده است بی رابطه بنظر نمی رسد. يك ملك با آن شرایط را، که می توان آن را موقوفه نیز نامید، مشروطه می نامیدند زیرا محدود به مقررات و شرایطی بود که بنیانگذار آن برای آن تعیین کرده بوده است. «خط گلخانه» را «شرطنامه» نامیدند زیرا که آن «خط» عبارت از فرمانی بود که حقوق سلطان عثمانی را محدود می کرد و قدرتش را در چارچوب شرایطی معین قرار می داد و خلاصه اعمال قدرت سلطان عثمانی را مشروط به شرایطی ویژه می شناخت که قانون برای وی پیش بینی می کرد. در ظاهر چنین بنظر می رسد که کلمه مشروطه، هم به معنای دیرینه آن در میان ترکها و هم در اصطلاح مورد استعمال نامق کمال، هر دو از همان شرط عربی گرفته شده باشند و بنابراین، این نکته ما را به این باور رهبری می کند که مشروطه به معنای Constitutionalism

● در سال ۱۳۲۴/۱۹۰۷ زیر فشار

آزادپخواهان واژه مشروطه برای نخستین بار در يك فرمان رسمی محمدعلی شاه بکار برده شد. چون در فرمانهای پیشین مظفرالدین شاه لغت مشروطه یاد نشده بود، شاه جدید ناچار شد که تغییر رژیم ایران را از استبدادی به مشروطیت با ذکر کلمه مشروطه تأیید کند.

سرانجام خواهند گفت که رژیم نو باید مشروط به عدم آزادی و یازیر حکومت علماء باشد.^{۱۳} بدین ترتیب این مجتهد تبریزی نیز مسلم فرض کرد که واژه مورد بحث از ریشه عربی شرط می آید. علماء ایرانی ساکن عراق که در آغاز سال ۱۳۳۰/۱۹۱۲ به عنوان اعتراض به اشغال ایران وسیله روس و انگلیس از نجف، کربلا و سامره به قصد عزیمت به ایران در کاظمین توقف کرده بودند نیز واژه مشروطه را از ریشه شرط گرفتند؛ آنان آن واژه را به باب افتعال بردند و لفظ «اشتراط» را بعنوان يك رژیم ضد استبدادی معنا کردند.^{۱۴} خلاصه واژه مشروطه بعنوان صفت برای حکومتی بکار برده شد که بر اساس قانون اساسی و نظام پارلمانی بنیاد گردد و آن واژه از آن جهت در ایران متداول شد که رژیم نو قرار بود به حدود و شرایطی که قانون معین می کرد محدود باشد.

از سوی دیگر، تئوری دیگری وسیله تقی زاده و دکتر رضازاده شفق بیان گردیده که با آنچه در بالا گفته شد تفاوت دارد. همانگونه که می دانیم این دو تن بعنوان سیاستمدار، پژوهشگر و شاهد عینی انقلاب مشروطه ایران شناخته شده اند. تقی زاده می نویسد که واژه مشروطه از لفظ فرانسوی «لاشارت» (La charte) جدا شده نه از واژه عربی شرط. نامبرده می افزاید که واژه لاشارت از اروپا به ترکیه عثمانی راه یافت و در آنجا از آن، لفظ مشروطیت را ساختند و سپس آن لفظ به ایران وارد شد.^{۱۵} دکتر رضازاده شفق نیز همین نظر را دارد و توضیح بیشتری در این زمینه می دهد. نامبرده می گوید: «کلمه مشروط از ترکیه به ایران آمد و ممکن است ترکها آن را درست کرده باشند که معنی حکومت ضد استبدادی یعنی حکومتی که محدود به شرایطی است، از آن بگیرند ولی بخاطر دارم که در برخی از نوشته های ترکها خوانده ام که آنها لفظ مشروطیت را از شرط عربی نگرفته بلکه از لاشارت فرانسوی استفاده کرده اند. اینگونه اشتقاقها در میان ترکها رایج است. مثلاً کسی که ریش خود را تراشیده باشد وی را مطروش که از لفظ فارسی تراش می آید می نامند. در حقیقت اگر لفظ کنستیتوسیون را به مشروطه عربی ترجمه می کردند يك ترجمه نادرستی می بود.»^{۱۶}

از میان دانشمندان ترک شناس، نیازی بر کس^{۱۷} و برنارد لویس (Bernard Lewis)^{۱۸} نیز واژه مشروطه را جدا شده از شرط عربی می دانند. در این زمینه آقای برکس که خود از مردم ترکیه است در سال ۱۳۴۹/۱۹۷۰ خورشیدی در شهر مونترئال کانادا برای نویسنده حاضر

سده ۱۹ مصر، به اروپا بیش از یکبار به واژه «الشرطه» برخورد می‌کند.^{۲۲} طهطاوی در سال ۱۸۲۶/۱۲۴۲ بعنوان سرپرست مذهبی دانشجویان مصر، به دستور محمدعلی خدیو وقت آن کشور آهنگ فرانسه کرد و ضمن انجام وظایف لازم به پژوهش پیرامون اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی فرانسه پرداخت. نتیجه پژوهشهای وی کتاب خاطرات او است که از حیث مطلب تا اندازه‌ای همانند خاطرات میرزا صالح شیرازی است که ۱۱ سال پیش از خاطرات طهطاوی نوشته شده؛ میرزا صالح درباره انگلیس و لندن و طهطاوی پیرامون فرانسه و پاریس قلمفرسایی کرده است. طهطاوی قانون اساسی ۱۸۱۴ فرانسه را نیز به عربی در آورده و در خاطرات خویش گنجانیده است. نامبرده واژه «الشرطه» را چنین بیان کرده است:

کتابی که... در بردارنده قانون اساسی [فرانسه] است «الشرطه» نامیده می‌شود که در زبان لاتین به معنی یک پاره کاغذ است. از این واژه ترجمه‌ای آزاد شد و سپس به یک سند مکتوبی اطلاق گردید که حاوی احکامی مفید باشد. بنابراین ما آن را برای شما یاد می‌کنیم اگر چه بیشتر آنچه در این کتاب آمده است نه در کتاب خدای تعالی و نه در سنت رسول صلی الله علیه و سلم موجود است. [این را می‌آورم] تا بدانید که چگونه خرد مردم فرانسه حکم می‌کند به اینکه داد و انصاف از وسایل آبادی کشور و سبب آسایش مردم است.^{۲۳}

بدین ترتیب، طهطاوی کلمه «الشرطه» را بعنوان شکل عربی واژه لاتینی charta که به زبان فرانسه la charte گفته می‌شود بکار برده است. همانگونه که از ظاهر شکل عربی واژه پیداست این کلمه شباهت به همان «شرط» عربی دارد. «الشرطه» به معنای لاتینی charta در سال ۱۸۳۱/۱۲۴۷، هنگامی که کتاب خاطرات طهطاوی در مصر چاپ شد برای نخستین بار به دنیای عرب معرفی گردید. سپس اندیشه گران ترک به محتوای کتاب طهطاوی دلبستگی یافتند و فردی بنام رستم بسیم آن را به ترکی برگردانید و در سال ۱۸۳۹/۱۲۵۵ آن را در قاهره به نام سیاحت نامه پراکنده ساخت و در ترجمه ترکی کتاب، واژه لاتینی charta را که صورت فرانسویش la charte است عیناً به همان شکل عربی خود (ولی بدون الف و لام) یعنی «شرطه» بکار برد.^{۲۴} بنابراین، جا دارد که حدس بزیم که بعدها از واژه شرطه، به پیروی از قواعد صرف عربی که در ترکیه متداول است و

● نمی‌دانیم که محمد علی شاه تا چه اندازه از معانی کلمات فرمائی که زیر آن را امضا کرده آگاه بوده است ولی می‌دانیم که کسانی که انقلاب مشروطه را رهبری می‌کردند دارای باورهای گوناگونی درباره مشروطه بودند.

(کنستیتوشنالیسم) نیز ممکن است از شرط عربی گرفته شده باشد زیرا این کلمه هم به یک نظام حکومتی اطلاق می‌شود که قدرت حکومت و سلطنت را محدود و مشروط به شرایطی می‌کند. بدیختانه، تا آنجا که این نویسنده آگاه است، تقی زاده توضیح بسنده‌ای پیرامون نظر خویش نداده و دکتر شفق هم که همان تئوری را با توضیح بیشتری آورده آن مأخذ ترکی را که در این مورد استفاده کرده بود نشان نداده است ولی به رغم فرضها و احتمالهایی که در بالا آوردیم نظریه تقی زاده و شفق کاملاً بی‌بنیاد بنظر نمی‌رسد. چون واژه مشروطه یک ترجمه تحت‌اللفظی و واقعی لفظ کنستیتوسیون نیست ما می‌توانیم حدس بزیم که ترکه‌ها در ترجمه آن، معنی مشروطه را که از شرط عربی گرفته شده باشد در نظر نداشتند. اگر می‌خواستند آن لفظ بیگانه را ترجمه کنند شاید یک لغت ترکی، مثلاً لفظ «تروک» را که به معنی قانون اساسی است بکار می‌بردند. این واژه ترکی بوسیله ترکه‌های سده‌های ۱۴ و ۱۵ میلادی نیز بکار برده شده و اشاره ضمنی است به قانون اساسی حاکم بر دولت تیمور لنگ (مرگ ۸۰۷/۱۴۰۴)، و بهترین دلیل بازمانده از اینگونه استعمالها همانا کتاب تزوکات تیموری است.^{۲۱} شمار بسیاری از اندیشه‌گران سده ۱۹ ترکیه بر این نکته آگاه بودند که ممکن بود به آسانی معانی کهن و یا مذهبی به اصطلاحهای عربی و فارسی چسبانده شود و در نتیجه به سود سلطان عثمانی که بعنوان حکمران اسلامی شناخته شده بود مورد تفسیر و تعبیر قرار گیرد. بنابراین، احتمال می‌رود که آنان یک واژه فرانسه یعنی شارت را برداشته‌اند و از آن، کلمه مشروطه را مطابق سبک متداول میان خود جدا کرده‌اند. اینگونه تمایلهای، همانگونه که در بالا در مورد سخن آن مجتهد تبریزی اشاره شد، در ایران نیز وجود داشت. علاوه بر این، خواننده کتاب خاطرات مسافرت طهطاوی، اندیشه گر نامدار

داده‌اند. در میان مشروطه‌گران آزادیخواه، افرادی ساده‌دل ولی قاطع و میهن‌پرست مانند ستارخان و باقرخان نیز بودند که مشروطه را بیشتر به سود گروه‌های کارگر، دهقان و زحمتکش جامعه تفسیر می‌کردند؛ برخی از اصول مهم متمم قانون اساسی که به سود حتمی اکثریت مردم ایران است به کوشش جناح آنان در متن قانون گنجانیده شد. در اینجا باید بیفزاییم که یک حکومت قانونی و مبتنی بر یک قانون اساسی و یا باصلاح کنستیتوسیونل ممکن است بدون دموکراسی و در نظر گرفتن حقوق مسلم همه مردم وجود داشته باشد. مثلاً یک قانون اساسی ممکن است به یک فرد استبدادگر حق حکومت بدهد؛ یک قانون اساسی حتی می‌تواند اصول دموکراسی را مخالف قانون اعلام کند. آنچه به نحو بارز تفاوتی میان حکومت استبدادی و غیراستبدادی می‌گذارد همانا اصول دموکراسی است. البته مفهوم دموکراسی، یعنی حکومت واقعی مردم بر مردم، با آنچه بورژوازی اروپا از سده ۱۸ به بعد در راهش جنگیده است تا منافع طبقه‌ای خود را حفظ کند تفاوت فراوان دارد و همین تفاوت مفهوم دموکراسی سبب می‌شود که نتوان به آسانی یک تعریف «جامع و مانع» از دموکراسی کرد ولی قواعدی وجود دارد که از ویژگی‌های یک رژیم دموکراسی مورد استناد بورژوازی غرب شمرده شده است. بنا به قول میو (Mayo):

... یک نظام سیاسی و دموکراسی عبارت است از نظامی که در آن خط مشی سیاست عمومی بر اساس اکثریت آراء و وسیله نمایندگان پارلمان ریخته می‌شود. [این روش] مشروط است به کنترل عموم

دکتر شفق نیز بدان اشاره کرد، لفظ مشروطه ساخته شده است و بدین ترتیب می‌شود گفت که از نظر شکل واژه، کلمه شرطه بعنوان یک لغت عربی و نقل قول از طهطاوی بصورت مشروطه در آمده است نه بعنوان واژه لاتینی charta یا واژه فرانسوی la charte؛ این نتیجه گیری با آنچه از قول استاد برکس در مورد شیوه اشتقاق لغات در ترکی در بالا یاد گردید نیز منافات نخواهد داشت. ولی از حیث معنی و ریشه لغوی، ممکن است واژه مشروطه از همان واژه لاتینی charta یا واژه فرانسوی la charte که معنی کنستیتوسیون می‌دهد گرفته شده باشد.

در سال ۱۳۲۴/۱۹۰۷ زیر فشار آزادیخواهان واژه مشروطه برای نخستین بار در یک فرمان رسمی محمدعلی شاه بکار برده شد. چون در فرمانهای پیشین مظفرالدین شاه لغت مشروطه یاد نشده بود، شاه جدید ناچار شد که تغییر رژیم ایران را از استبدادی به مشروطیت با ذکر کلمه مشروطه تأیید کند.^{۲۵} بنابراین محمدعلی شاه در فرمان خود بروشنی اعلام کرد که:

از همان روز که فرمان شاهنشاه مبرور انارالله برهانه شرف صدور یافت و امر به تأسیس مجلس شورای ملی شد دولت ایران در عداد دول مشروطه صاحب کنستیتوسیون بشمار می‌آید.^{۲۶}

در این فرمان، همانگونه که دیده می‌شود، هر دو واژه «مشروطه» و «کنستیتوسیون» بکار برده شده است. مفهوم این فرمان این است که ایران حکومت مشروطه خود را آغاز کرده و قرار است که همسان کشورهای مشروطه و دموکراسی جهان مانند بلژیک، انگلیس و فرانسه امور حکومت و کشور را بر طبق قانون اساسی اداره کند. ما نمی‌دانیم که محمدعلی شاه تا چه اندازه از معانی کلمات فرمانی که زیر آن را امضا کرده آگاه بوده است ولی می‌دانیم که کسانی که انقلاب مشروطه را رهبری می‌کردند دارای باورهای گوناگونی درباره مشروطه بودند. آزادیخواهان مشروطه‌گر، از جمله آنانی که عامل مؤثر صدور فرمان محمدعلی شاه بودند کاملاً به قواعد دموکراسی آگاهی داشتند. در نظر آنان مشروطه نه تنها به معنی یک نظام استوار بر جدایی قوا و دربردارنده یک قانون اساسی تعیین کننده وظایف حکومت و حقوق مردم بود، بلکه دلالت داشت بر یک رژیم دموکراسی، همسان همان دموکراسی‌هایی که در برخی از کشورهای اروپایی وجود داشت و فیلسوفان بورژوازی باختر مانند لاک و مونتسکیو پیرامون آن داد سخن

● در میان مشروطه‌گران آزادیخواه، افرادی ساده‌دل ولی قاطع و میهن‌پرست مانند ستارخان و باقرخان نیز بودند که مشروطه را بیشتر به سود گروه‌های کارگر، دهقان و زحمتکش جامعه تفسیر می‌کردند؛ برخی از اصول مهم متمم قانون اساسی که به سود حتمی اکثریت مردم ایران است به کوشش جناح آنان در متن قانون گنجانیده شد.

لازم است در امور مملکتی و سیاسی پیروی گردد مورد حمله سخت برخی از نمایندگان مجلس قرار گرفت؛^{۳۱} پس چرا همان مجتهد به علت مخالفتش با اصل مربوط به مساوات و سیله یکی از آزادیخواهان تهدید به مرگ گردید؟^{۳۲}

* برگرفته شده از کتاب تشیع و مشروطیت در ایران، اثر استاد عبدالهادی حائری، چاپ اول، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۰

یادداشتها

۱. حمیدالله، «آئین»، اسلامی انسائیکلوپدیا (لاهور، ۱۹۶۲)، جلد ۱، صص ۱-۲.
۲. نامق کمال، کلیات، ص ۱۶۹.
۳. همانجا، ص ۱۷۸.
4. Kenny, "Al-Afghani", 21.
۵. ملک خان، آثار ملک، ص ۱۵.
۶. نائینی، تنبیه الامه، ص ۱۲؛ محلاتی، اللئالی المربوطه، ص ۳.
۷. مستشار الدوله، یک کلمه، ص ۱۷.
۸. آدمیت، فکر آزادی، ص ۶۶.
۹. شمس کاشمیری، کلمه جامعه، ص ۵۴.
۱۰. محلاتی، اللئالی المربوطه، ص ۴.
۱۱. ادیب الحکماء شب نشینی رمضان، صص ۳۰۵-۳۰۴.
۱۲. تقی زاده، خطابه، ص ۵۳.

● یک حکومت قانونی و مبتنی بر یک قانون اساسی و یا باصطلاح کنستیتوسیونل ممکن است بدون دموکراسی و در نظر گرفتن حقوق مسلم همه مردم وجود داشته باشد. مثلاً یک قانون اساسی ممکن است به یک فرد استبداد گر حق حکومت بدهد؛ یک قانون اساسی حتی می تواند اصول دموکراسی را مخالف قانون اعلام کند. آنچه به نحو بارز تفاوتی میان حکومت استبدادی و غیراستبدادی می گذارد همانا اصول دموکراسی است.

مردم در انتخابات متناوبی که بر اساس قوانین مساوات سیاسی و تحت شرایط آزادی سیاسی انجام می گیرد.^{۲۷}

این قواعد و اصول و شرایط تا اندازه زیادی مورد توجه مشروطه خواهان آن زمان ایران بود و از آن پشتیبانی می کردند. گنجائیدن اصل ۲۲، که حاکمیت را متعلق به مردم می داند، در متمم قانون اساسی نشاندهنده آنست که بسیاری از آزادیخواهان در راه دموکراسی فعالیت می کردند. علاوه بر این اختلاف نظر آزادیخواهان با علماء مشروطه گر در مجلس نخست درباره مسأله مساوات نشان می دهد که هدف آزادیخواهان از مشروطه و برداشت آنان از واژه مشروطه همانا یک حکومت بشیوه دموکراسی بوده است.^{۲۸} گروه دیگر از صاحب نظران مشروطه وابسته به جامعه روحانیت شیعه بودند و از دیدگاه آنان مشروطه عبارت بود از یک نظام سیاسی که قواعد و اصول آن با تئوری حکومت در شیعه منافات نداشته باشد و با آن راست بیاید. در برابر این اندیشه گران مشروطه خواه، روحانیان ضد مشروطه بودند که به قول نائینی «شعبه استبداد دینی» را تشکیل می دادند. به دیده آنان مشروطه یک نظام شیطانیه بشمار می آمد که هدفش از میان بردن اسلام بوده است و به همین دلیل صفت «مشروع» را خواستند بدان بیفزایند تا اینکه حکومت مشروطه را کاملاً محدود به قوانین شرع اسلام گردانند. آنها گفتند: «ای برادر، نظامنامه، نظامنامه، نظامنامه، لکن اسلامی، اسلامی، اسلامی»^{۲۹}

با در نظر گرفتن این برداشتهای گوناگون از مشروطه، بسیار دشوار خواهد بود که درباره میزان آشنایی سران مشروطه به اصول رژیم جدید و باورهای گوناگون آنان پیرامون معنی مشروطه یک داوری کلی کنیم. خانم لمبتون (Lambton) چنین کلی گری در داوری خویش کرده است؛ نامبرده می نویسد:

... تمایل اساسی کسانی که جنبش مشروطه را پشتیبانی می کردند نه انقلاب بلکه اجرای وظیفه اسلامی امر به معروف و نهی از منکر بود.^{۳۰}

این کلی گریی ممکن است مورد تردید قرار گیرد زیرا آن انقلابیانی که قوانین مساوات، آزادی و حاکمیت مردم ایران را در متمم قانون اساسی گنجائیده از مجلس گذراندند تنها هدفشان اجرای اصول امر به معروف و نهی از منکر نبود. اگر این نکته حقیقتی داشت پس چگونه بهیچانی، هنگامی که در مجلس پیشنهاد کرد که دستوردهای قرآنی

- ترکی گفته‌های طهطاوی با این عبارتها آغاز می‌شود:
- «... و قانون مذکور حای اولان کتابک اسمنه شرطه تسمیه ایدر لر و بعضاً قارطه دخی تعبیر ایدر لر شرطه تک معناسی لغت لاتینی ده ورکه...» پیرامون واژه مشروطه قبلاً پژوهشهای دیگری نیز شده است؛ برای مقایسه نگاه کنید به محمد محیط طباطبایی، «فرمان مشروطه از کیست؟»، محیط، ۱ (۱۳۲۱)، ۱۸-۹ و دوره دوم محیط، جلد ۱، شماره ۴ (۱۳۲۶)، ۲۳، ۱۸، ۲۰؛ همان نویسنده، «ریشه مشروطه»، محیط، جلد ۱، شماره ۳، دوره دوم (۱۳۲۶)، ۴۲؛ محمد اسماعیل رضوانی، «معنی لغت مشروطه و ریشه آن»، سالنامه کشور ایران، ۲۰ (۱۳۴۴)، ۳۳۵-۳۳۸. در این پژوهشها از بسیاری از مآخذ مورد استفاده ما بهره‌جویی نشده ولی بنظر می‌رسد که پژوهشهای ما پیرامون این واژه که خلاصه‌اش در سال ۱۳۵۳ خورشیدی در مجله وحید، جلد ۱۲، صفحات ۲۸۷-۳۰۰ نیز برانگیزه گردید در نظر آقای محیط طباطبایی ارزشمند آمده است زیرا بر نامه‌رادیویی ایشان در مرداد ماه ۱۳۵۷ به خوبی نشان می‌داد که محتوای مقاله ما را از دیده دور نداشته‌اند.
۲۵. هدایت، خاطرات و خطرات، صص ۱۴۷-۴۹.
۲۶. همانجا، صص ۱۴۹.
27. Henry B. Mayo, **An Introduction to Democratic Theory** (N. Y., 1960), p. 70.
۲۸. برای شرح بیشتر پیرامون اینگونه اختلاف دیدگاهها، نگاه کنید به فصل ششم از کتاب حاضر، بخش مربوط به برابری. پیرامون برداشت کسروی از یک رژیم مشروطه از جمله نگاه کنید به کتاب وی زیر عنوان مشروطه بهترین شکل حکومت و آخرین نتیجه اندیشه نژاد آدمی است (تهران، ۱۳۳۵).
۲۹. رضوانی، «بیست و دورساله»، صص ۲۳۵؛ برای آگاهی بیشتر پیرامون دیدگاه «شعبه استبداد دینی» نگاه کنید به فصل ششم کتاب حاضر و:
- Hairi, "Shaykh Fazl Allah".
30. A. K. S. Lambton, "The Persian Constitutional Revolution of 1905-6", in **Revolution in the Middle East and Other Case Studies**, ed. P. J. Vatikiotis (London, 1972), p. 176.
۳۱. نگاه کنید به فصل سوم کتاب حاضر، بخش «نائبی در رویدادهای پس از انقلاب مشروطیت».
۳۲. نگاه کنید به فصل ششم کتاب حاضر، بخش مربوط به برابری.
۱۳. همانجا، صص ۵۴-۵۳.
14. Hairi, "The Responses of Libyans and Iranians to Imperialism".
- نیز نگاه کنید به فصل سوم کتاب حاضر، بخش «اشغال همزمان ایران و لیبی وسیله بیگانگان».
۱۵. تقی‌زاده، خطابه، صص ۱۸، ۵۳.
۱۶. صادق رضازاده شفق، خاطرات مجلس و دموکراسی چیست؟ (تهران، ۱۳۳۴)، ۱۴۱.
17. Berkes, **Secularism**, p. 232.
18. Lewis, "Dustur", p. 640.
19. James W. Redhouse, **A Turkish and English Lexicon** (Constantinople, 1921), p. 1868; Mehmet Zeki Pakalin, **Osmanli Tarih Deyimleri ve Terimleri Sözlüğü** (Istanbul, 1953), vol. ii, pp. 493-94.
20. Ihsan Sangu, "Tanzimat ve Yeni Osmanlilar", in **Tanzimat** (Istanbul, 1940), vol. i, pp. 488-45.
۲۱. چنین گفته‌اند که این کتاب در اصل به زبان ترکی چغتایی وسیله خود تیمور نوشته و سپس وسیله ابوطالب الحسین به فارسی برگردانیده شده است؛ متن فارسی آن وسیله میجر دیوی (Major W. Davy) تحت عنوان: Institution, political and Military
- به زبان انگلیسی ترجمه و برای نخستین بار در سال ۱۷۸۳ در آکسفورد انگلیس چاپ گردید. این کتاب به زبانهای دیگر نیز برگردانیده شده؛ نگاه کنید به مقدمه مجتبی مینوی به چاپ نو این کتاب که در بردارنده متن فارسی و انگلیسی می‌باشد. این چاپ در سال ۱۳۴۲ خورشیدی وسیله انتشارات اسدی پراکنده شده است.
۲۲. طهطاوی، تلخیص، صص ۴۱-۴۰، ۴۸-۴۷، ۱۴۷، ۱۵۲ و صفحات دیگر.
۲۳. همانجا، صص ۱۴۰؛ عین کلام طهطاوی بقرار زیر است:
- «والکتاب المذکور الذی فیه هذا القانون یسمى الشرطه و معناها فی اللغة اللاتینیة ورقة ثم تسومح فیها فاطلقت علی السجل المکتوب فیه الاحکام المفیده، فلنذ کر لک، وان کان غالب مافیه لیس فی کتاب الله تعالی ولا فی سنة رسول الله صل الله علیه و سلم لتعرف کیف قد حکمت عقولهم بأن العدل والانصاف من اسباب تعمیر الممالک و راحة العباد.» برای آگاهی از زندگی و اندیشه طهطاوی از جمله نگاه کنید به:
- al- Husry, **Three Reformers**, pp. 11-32.
۲۴. نگاه کنید به سیاحت نامه (قاهره، ۱۸۳۹/۱۲۵۵)، ۷۳؛ ترجمه